

## چرا وضعیت لاریجانی تا این حد وخیم است؟

عباس کاکاوند

[akakavand.blogspot.com](http://akakavand.blogspot.com)

با در نظر گرفتن این نکته آشکار که شورای هماهنگی نیروهای انقلاب، عملاً دیگر وجود خارجی ندارد و به سه شاخه متمایز 1. طرفداران لاریجانی (عمدتاً شامل موتلفه - بازوی سیاسی کمیته امداد-، طیف سنتی راست و طیف نظامی شورا) 2. میثاق چهارنفره (قالی باف، رضایی، احمدی نژاد و توکلی) و 3. ولایتی تقسیم و تفکیک شده است، و همچنین این نکته که نامزد طیف اول شورای سابق (لاریجانی) بدترین و نامناسب ترین وضعیت را در بین افکار عمومی دارد، بررسی دلایل این که چرا وضعیت لاریجانی تا این حد وخیم است پرسشی است که تحلیل گران و آگاهان سیاسی باید آن را بطور جدی مورد توجه قرار دهند. در واقع مساله مهم این است که چرا شورای هماهنگی (سابق) فردی را باید برگزیند که این چنین وضعیتی را داشته باشد. نظام تصمیم گیری و برنامه ریزی جناح راست چرا در مساله به این مهمی تا این حد بد و ناشایسته عمل کرد؟ پاسخ به این پرسش ها باید بیش از همه ذهن تحلیل گران و برنامه ریزان جناح راست را به خود مشغول کند.

اما به نظر نگارنده، دلایل زیر را در این مورد فهرست کرد:

1. لاریجانی، اساساً رجل سیاسی نیست و این مهم ترین نقطه ضعف وی است که به نظر می رسد بدان توجهی نکرده اند! لاریجانی هیچ گونه سابقه فعالیتی که بتواند وی را به عنوان رجل سیاسی مطرح کند ندارد! لاریجانی سه حوزه زندگی متفاوت داشته است: زندگی دانشگاهی و فرهنگی (وزارت ارشاد)، فعالیت در سپاه و شورای امنیت ملی و مدیریت صدا و سیما. بدین ترتیب شاید بتوان وی را رجل فرهنگی، امنیتی و نظامی و اجرایی نامید اما تردیدی وجود ندارد که وی رجل سیاسی نیست. وی نه نماینده مجلس بوده است، نه سابقه فعالیت سیاسی خاصی داشته (قبل و بعد از انقلاب و حتی در دوران دانشگاه) و نه یک وزارت خانه سیاسی را اداره کرده است. از این رو وی در بهترین حالت فقط به درد دانشگاه، محیط های امنیتی و نظامی می خورد و نه جایی دیگر! بنابراین توقع بیجایی نیست از شورای نگهبان که صلاحیت وی را به دلیل عدم احراز شرط رجل سیاسی رد کند.

2. خانواده لاریجانی و سه برادر علی، محمد جواد و صادق ریشه غیر ایرانی دارند. پدر آن ها در عراق متولد شده و زندگی کرده است. (هر چند بعدها سعی شد با اضافه کردن پسوند آملی این ریشه غیر ایرانی و عراقی را از ذهن ها بردایند). شهر نجف از مناطق تحت نفوذ بریتانیا و دولت انگلیس بوده و بنابراین زندگی این خانواده ماهیتاً با انگلیس پیوند خورده است. این نکته را خیلی ها هنوز مورد توجه قرار نداده اند که نخستین رسانه ای که نامزدی لاریجانی را اعلام کرد، رسانه دولتی انگلیس (بی. بی. سی) بوده است! ساده اندیشی است اگر بپنداریم این اقدام بی بی. سی اتفاقی بوده است. بنابراین شاید بتوان لاریجانی را به شکل شناسنامه ای ایرانی الاصل و تابع ایران وانمود ساخت، اما در این که وی در عمل هم از چنین صفاتی برخوردار باشد تردیدهای جدی وجود دارد. باز هم به نظر می رسد شورای نگهبان شرط ایرانی الاصل بودن را باید به طور جدی نسبت به وی مورد مطالعه و کنکاش قرار دهد.

3. لاریجانی، طی یک فرایند کاملاً ضد دموکراتیک، به شکل دستوری و آمرانه و از بالا به پایین انتخاب شد به نحوی که حتی کاربرد مفهوم انتخاب در این مورد کاملاً بی جا به نظر می رسد. در واقع اصلاً انتخابی در کار نبود. این یک تصمیم از قبل گرفته شده توسط عده ای معدود بود که به هر نحو ممکن باید به مرحله اجرا در می آمد و دیگران باید از آن تمکین می کردند! مثلاً در نظر سنجی که در همایش گامی دیگر از حدود هزار نفر چهره های جناح راست به عمل آمده بود، این ولایتی بود که بیشترین رای را آورده بود و نه لاریجانی اما سران ارزش گرا و اصول گرا!! بدروغ اعلام کردند که لاریجانی رتبه اول را دارد! این رویکرد فریب آمیز را همچنان می توان در موضع گیری های آنان مشاهده کرد. بنابراین

لاریجانی با خدعه و نیرنگ (که یک سنت رفتاری انگلیسی است) توانست ولایتی را کنار بزند و البته ثمراتش را خیلی خوب مشاهده می کند!

4. لاریجانی مجبور است ستادهای انتخاباتی شورای سابق را با کمک مالی کمیته امداد راه اندازی کند و این یک نقطه ضعف اساسی است که شعارهایی مانند مبارزه با فساد و تبعیض و عدالت را از جانب وی بی معنا می سازد. در صورت انتخاب لاریجانی مردم کمترین امیدی نسبت به رفع فقر و فساد نمی توانند داشته باشند و از این رو پر بیراه نیست دولت وی را دولت ناامیدی بنامیم!

5. لاریجانی در دوران تصدی صدا و سیما یک پرونده فساد 525 میلیارد تومانی را به یادگار گذاشته که بیش از هر چیز باید در مورد آن توضیح کرد. این که قوه قضاییه این پرونده را بایگانی کرده است توضیح قانع کننده ای برای افکار عمومی نیست و بالاخره باید توضیح دهد که چه بر سر این مبلغ کلان آمده است!!

6. لاریجانی، از جهت سلامت جسمانی باید مورد معاینه (توسط یک هیات پزشکی بی طرف) قرار گرفته و به سوالات افکار عمومی در این زمینه پاسخ داده شود. مساله سلامت جسمانی، موضوعی نیست که بتوان بر راحتی از کنار آن گذشت.

با این تفصیل و وضعیت وخیم و نامناسب لاریجانی، تنها دلیلی که اصرار نامعقول سران جناح راست (ناطق نوری، حبیب اولادی و رضا باهنر) را در حمایت از وی می تواند توضیح دهد مسایل شخصی آنان با هاشمی است. آنان دلیل شکست خود در دوم خرداد را خطبه نماز جمعه هاشمی می دانند و دقیقاً به این دلیل ولایتی را انتخاب نکردند، چرا که ولایتی روابط نزدیک و صمیمانه با هاشمی دارد. آنان می خواهند به هر قیمتی، انتقام شخصی خود را از هاشمی بگیرند و دقیقاً به این دلیل است که جناح راست را وادار به خودزنی سیاسی ساخته اند.

دوشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۴ - ۴ آوریل ۲۰۰۵